

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۴۲ - ۳۲۵

سلامت اجتماعی، افساد فی الارض و محاربه از منظر فقه و حقوق اسلامی

علی یزدانی^۱

حسین احمدی^۲

مصطفی رجایی پور^۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی و مقایسه افساد فی الارض و محاربه در فقه و حقوق اسلامی است و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با گردآوری منابع از طریق روش کتابخانه‌ای، ضمن بررسی مفهوم و قلمروی محاربه، بعی و مفسد فی الارض در اصطلاح و فقه اسلامی، پیشینه و ارکان و مصادیق این جرایم در قوانین پیشین و تحولات آن‌ها در قانون جدید مجازات اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. یکی از مصادیق بارز افساد فی الارض، محاربه می باشد به طوری که ممکن است جرمی افساد فی الارض باشد ولی محاربه نباشد، ولی هر محاربه‌ای افساد فی الارض است و از طرف دیگر محاربه‌ای که در قرآن و فقه به آن اشاره شده است بیشتر به محاربه با خدا و رسول خدا (ص) می باشد ولی در قانون مجازات اسلامی محاربه یکی از جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است.

واژگان کلیدی

فساد فی الارض، محاربه، فقه، حقوق اسلامی، فساد.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Email: za13841113@gmail.com

۲. هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ahmari.hosein@yahoo.com

۳. هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Email: mostafarajae@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۶

طرح مسأله

در شریعت، جرایم به محظورات شرعی که خداوند متعال از آن‌ها به وسیله حد یا تعزیر منع کرده است تعریف شده‌اند؛ و محذور، عبارت است از انجام فعلی که از آن نهی شده و یا ترک فعلی که به آن امر شده است. پس جرم، انجام عملی است که حرام و دارای مجازات است و یا ترک فعلی است که شرع انور به تحریم و مجازات بر آن تصریح کرده است. جرم در میان پدیده‌های گوناگون اجتماعی نیز رفتاری مورد انزجار و نفرت جامعه است که با توجه به شدت و ضعف آن، مستلزم عقوبت می‌گردد. جرم بودن این دسته از اعمال و تعیین نوع مجازات آن از طرف شارع مقدس، در سوره مائده قرآن مجید راحتاً تعیین و تصریح گردیده است. علما و فقها نیز در کتب فقهی بابتی را به این موضوع اختصاص داده و به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند. در سایر کشورها، برخی از مصادیق این دسته از جرائم، مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته و در قانون به تناسب نوع عمل، مجازاتی نیز تعیین نموده‌اند. از قبیل جرائم «اقدام بر ضد حکومت و دولت» یا «سوء قصد به شخص اول مملکت» یا «خیانت به کشور» و «جاسوسی» که غالب کشورها برای مرتکبین این جرائم حبس ابد و تعداد قلیلی از کشورها مجازات اعدام را پیش بینی نموده‌اند. لیکن محاربه و افساد فی الارض در حقوق کیفری اسلام، از حدود الهی می‌باشد و، دارای ابعادی وسیع تر از موارد مذکور می‌باشد. بعلاوه مجازات این دسته از جرائم نیز از طرف شارع مقدس مقرر گردیده و قاضی در تغییر نوع و میزان آن اختیاری ندارد و در ورت احراز جرم، الزاماً باید یکی از اقسام چهار گانه مجازات را مورد حکم قرار دهد. از جمله تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است میتوان به تحقیق سنچولی (۱۳۹۷) تحت عنوان مقایسه تروریست با مفسد فی الارض در فقه اسلامی اشاره کرد، پولار مولائی (۱۳۹۷) در این زمینه کتابی تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض نوشته است و محمدی فر و مستجاب الدعواتی (۱۳۹۷) مقاله ای تحت عنوان بررسی فقهی حقوقی جرم محاربه و مقایسه آن با افساد فی الارض و بغی انجام داده‌اند و همچنین ملک آستانه و فکور (۱۳۹۵) کتابی تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض در حقوق موضوعه به رشته تحریر درآورده‌اند. باقری (۱۳۹۸) به موضوع شناسی محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق اسلامی انجام داده است. هژیر (۱۳۹۹) به بررسی جرم محاربه با توجه به قانون مجازات اسلامی پرداخته است. هژیر و سلمانی (۱۳۹۵) به بررسی کلی محاربه و افساد فی الارض به عنوان جرمی علیه امنیت پرداخته‌اند.

از جمله جرایمی که در شریعت اسلام مورد توجه فقه قرار گرفته است و به تفصیل راجع به آن بحث شده است سه جرم بغی و محاربه و افساد فی الارض می‌باشد. بغی در اسلام از مباحث مهمی است که در حوزه جرائم علیه موجودیت حکومت اسلامی در منابع فقهی مورد بحث قرار گرفته است. در قوانین ایران (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰) عنوان بغی وجود نداشت

بیشتر در فقه بکار رفته است. در قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ در خصوص جرم بغی عنوان مستقلی در نظر گرفته است و در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ به طور مشخص از آن تعریف می نمایند. بغی و افساد فی الارض در فصل نهم که شامل مواد ۲۸۶، ۲۸۷ و ۲۸۸ می باشد، همچنین عنوان مجرمانه محاربه نیز مورد توجه قانونگذار بوده است و مصادیقی نیز برای آن ذکر شده است و تحول و نوآوری هایی نیز برای آن شاهد بوده ایم که نشان می دهد که عنوان مزبور به تدریج توسعه و گسترش زیادی پیدا نموده است. اگر چه منابع فقهی در خصوص موضوع، کتاب فراوان است، لیکن وجود تحقیقاتی از این دست به زبان فارسی نادر است. تعداد انگشت شماری که وجود دارد، بیشتر از منظر حقوقی به تبیین و بررسی موضوع پرداخته اند و بررسی فقهی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ضمن اینکه در تحقیق حاضر از دو بعد فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است به بررسی مصادیق محاربه و فساد فی الارض برای روشنتر شدن موضوع بیان شده است و از دیدگاه جدیدی به این موضوع اشاره شده است و همزمان از دو بعد مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، تلاش مقاله حاضر بر این است تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با گردآوری منابع از طریق روش کتابخانه ای، ضمن بررسی مفهوم و قلمروی محاربه، و مفسد فی الارض در اصطلاح و فقه اسلامی، پیشینه و ارکان و مصادیق این جرایم در قوانین پیشین و تحولات آن‌ها در قانون جدید مجازات اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ بنابراین این مقاله درصدد است با نگاهی نو به بررسی و مقایسه افساد فی الارض و محاربه در فقه و حقوق اسلامی پرداخته شود.

مفسد فی الارض، یکی از معضلات جوامع امروزی است که دولت‌ها به ویژه در سده اخیر با آن درگیرند. در طول تاریخ اسلام نیز بسیاری از بزرگان از جمله امامان معصوم ما قربانی این پدیده شوم شدند. دنیای غرب، چند سالی است که سعی در حذف اسلام از عرصه سیاست دارد و در این راستا ابتدا با پدید آوردن و تقویت گروهک‌های تروریستی هم چون القاعده و سپس با استناد به اعمال این دسته، اسلام را تروریستی و تروریست پرور معرفی کرد.^۱

مفسد فی الارض در ساختار مفهومی کنونی، اندیشه‌ای دوگانه است. گاه برخی گروه‌ها و کسان بر پایه اندیشه پیکار با دولت‌ها یا کسان زورگو و نادرستکار، به خشونت روی می آورند که مفسد فی الارض در اینجا همان پیکار در راه آزادی است. گاه دولت‌ها و کسانی که دارای قدرت اند، به بهانه مفسد فی الارض می‌کوشند هر بازدارنده یا دشمنی را از سر راه بردارند که این نیز سخت کوشی در راه امنیت است. در این میان تروریسم، تنها نوعی اندیشه است که در پیکره

۱. مستقیمی، بهرام؛ قادری کنگاوری، روح الله؛ نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم، مجله: سیاست « ۱۳۹۰ -

پدافند (دفاع) رخ نموده است. به سخن دیگر، تروریسم دو هم آورد دارد که هر دو بر این اندیشه اند که در حال دفاع از خود هستند و در پایان، روشن نیست کدامیک بر دیگری ستم روا داشته و کدامیک سزاوار دفاع از خویش است.^۱

واژه محاربه، از ریشه حرب است و معنای آن، وارونه معنای «سلم» که به معنای صلح می باشد، است. محاربه در اصل به معنای سلب و گرفتن است و اطلاق عنوان حرب به ترساننده مردم یا جنگ کننده با مردم، بخاطر آن است که او می خواهد جان یا مال یا ملک دیگری را از او سلب نماید. اصطلاح «افساد فی الارض» به معنای ایجاد تباهی و خرابی در زمین به کار می رود. اکثر فقهای اسلامی اعم از شیعه و سنی این اصطلاح را در مورد محاربین و قطاع الطریق به کار برده اند. فی الواقع هیچ تفاوتی میان محاربه و افساد فی الارض قائل نیستند. در مقابل، عده ای از فقها و مفسران می گویند مفهوم افساد فی الارض عام تر از محاربه است، به گونه ای که محاربه فقط یکی از موارد افساد فی الارض است؛ اما آنچه بیشتر مسئله مورد بحث را دچار مشکل می کند این است که حتی آن عده از فقهای اسلامی که قائل به جدایی جرم افساد فی الارض از محاربه هستند، مجازات معینی را برای مفسد فی الارض معین نکرده اند مگر این که بگوئیم این مجازات که در فقه بیان شده مجازات مفسد فی الارض است و شامل محارب نیز میشود.

در تنقیح موضوع حد محارب سخن بسیار رفته است، آیا موضوع آن فقط کسی است که برای ترساندن مردم سلاح کشیده باشد، یا هر کس به هر نحو حتی مثال به ورت بغی، محارب با خدا و پیامبر باشد موضوع آن است؟ و یا به طور مطلق هر مفسد فی الارض حتی اگر افساد او به ورت جنگ و محاربه هم نباشد، موضوع این حد است؟ پایه این بحث بر استظهار از آیه مبارکه و روایات مخصوص حد محارب، استوار است. محاربه و تروریسم هر دو از عناوین مجرمانه مهم علیه امنیت می باشند که به دلایل مختلف جایگاه ویژه ای را در فقه به خود اختصاص داده اند. اگرچه عناوین مجرمانه مزبور به جهت شرایط مرتبط با ارکان مادی و روانی آنها دارای شباهت هایی با یکدیگر نیز میباشند؛ اما سمت و سوی تحوالت تقنینی این دو عنوان متفاوت با یکدیگر بوده است. بسط و گسترش مفهومی محاربه در بیشتر موارد متمایل به حفظ و حمایت از حاکمیت سیاسی نظام و گسترش دامنه جرم انگاری تروریسم در حقوق فرانسه در راستای حفظ و حمایت از امنیت عمومی بوده است. علیرغم اختلاف محاربه و تروریسم از یک جهت دارای وجه اشتراک با یکدیگر می باشند، وجود ابهامات تقنینی که در مقررات مربوط به بسیاری از جرائم

۱. مستقیم، بهرام؛ قادری کنگاوری، روح الله؛ نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم، مجله: سیاست « ۱۳۹۰ -

دیگر علیه امنیت نیز مشاهده می‌گردد و در اکثر موارد به دلیل به کارگیری الفاظ کلی و مبهم در مقررات قانونی رخ می‌دهد و هیچ‌گاه قانونگذار، خود را ملزم به ارائه تعریف درباره آن‌ها ننموده، می‌تواند زمینه مداخله بیشتر حقوق کیفری را از طریق استفاده از حقوقدانان دانشمند را فراهم نماید.^۱

اهمیت تحقیق

اهمیت موضوع تحقیق محاربه و مفسد فی الارض در فقه از مباحث مهمی است که در حوزه جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی شهروندان کشور اسلامی در منابع فقهی مورد بحث قرار گرفته است؛ اما علی‌رغم وجود دلایل و مستندات شرعی مستقل در خصوص محاربه و مفسد فی الارض در منابع معتبر اسلامی، در برهه‌هایی از تاریخ نوعی امتزاج و آمیختگی در مباحث راجع به مفسد فی الارض و محاربه مشاهده می‌گردد که این امتزاج در قانون مجازات اسلامی هم قابل مشاهده است؛ بنابراین علی‌رغم این که موضوع یاد شده از موضوعات فراگیر و مورد ابتلا است اما تا کنون کاری در خور توجه که مورد نظر مقاله است انجام نگرفته و هنوز ابهامات زیادی در عرصه فقه حقوق وجود دارد که باید شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی گردد. لذا تحقیق در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

تعریف محاربه و مفسد فی الارض

محاربه با خدا و افساد فی الارض یا به‌طور خلاصه محاربه جرمی در فقه و حقوق اسلامی است که برای آن مجازات‌های سنگینی چون اعدام و بدار آویختن و قطع دست و پا و تبعید در نظر گرفته شده است. فاعل این جرم، محارب و مفسد فی الارض نام دارد.

محاربه به معنای «جنگیدن»^۲ و افساد فی الارض به معنی «تباہ کاری بر زمین» است. این اصطلاح در آیه ۳۳ سوره مائده آمده است: «همانا کیفر کسانی که به محاربه با خدا و رسولش برمی‌خیزند و برای فساد بر زمین می‌کوشند، قتل یا به دار آویختن یا بریدن دست‌ها و پاهایشان به طور معکوس یا تبعید آن‌هاست. این مایه خواری و رسوائی آنان در این جهان است و در آخرت نیز عذاب بزرگی خواهند داشت.» این آیه از مهم‌ترین آیات مربوط به احکام کیفری در قرآن است که مباحث مفصلی در کتب فقهی و تفسیر را دامن زده و در مورد مفهوم و مصادیق آن نظرات مختلفی ابراز شده است.^۳

۱. صداقت زاده، محمدرضا؛ بررسی فقهی و حقوقی محاربه و تروریسم با تأکید بر فقه امامیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۱۳۹۵، ص ۳۱

۲. دهخدا. «محاربت». لغتنامه دهخدا. ۱۳۸۸

۳. شامبیاتی هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی - جلد سوم، تهران: ژوبین، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱، شابک.

محرابه در فقه

بغی در فقه اسلامی به جرایم سیاسی گفته می‌شود؛ بنابراین انتصاب محاربه به جرایم سیاسی از دید بسیاری از فقها غلط بوده و نمی‌توان به باغی اتهام محاربه و مفسد فی الارض وارد نمود. از دید فقه اسلامی اتهام محاربه نیازمند آماده بودن سلاح و سلب امنیت از مردم است. خمینی (قدس سره) در تحریر الوسیله گفته است^۱:

محارب کسی است که شمشیرش را برهنه می‌کند یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد نماید؛ خواه در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا در غیر آن، شب باشد یا روز. و در صورت تحقق آنچه که ذکر شد، شرط نیست که از اهل ریه (افراد مشکوک و متهم) باشد، و مرد و زن در آن مساوی .

سابقه جرایم دو گانه در اسلام

افساد فی الارض

در بررسی پیدایش افساد فی الارض در اسلام و کلیه نظام های الهی ما قبل اسلام به هیچ منبعی محکم تر و موثق تر از "قران" نمی باشد. از فحوای این کتاب عظیم چنین بر می آید که جرم افساد فی الارض به طور کلی در نظام های قبل از اسلام و به تبع آن در نظام اسلام مطرح بوده است. به طور مثال قوم عاد: در زمان حضرت هود (ع)، فاصله طبقاتی میان فقر و غنی، ضعیف کشی، حق ستیزی، نابرابری و بالاخره بت پرستی به حدی رسید که خداوند متعال قوم عاد را از اقوامی دانست که فساد زیادی در زمین بر پا کردند.^۲

قوم ثمود: از دیدگاه قرآن، این قوم به جهت ظلم و فساد، دنیا پرستی و اسرافکاری افراطی در ردیف فساد انگیز ترین اقوام تاریخ محسوب شده اند.

قوم لوط: با بیان صریح در آیه ی: " قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ " لوط گفت: " پروردگارا، مرا بر قوم فسادکار غالب گردان " بر افراط و گسترده گی جرم لوطا، عنوان افساد اطلاق شده است.

قوم شعیب: قرآن نیز از کم فروشی، نا به سامنی های اقتصادی و تزییع حقوق دیگران در

۱. هاشم زاده هریسی هاشم. «مسائلی چند در مورد محاربه». وبلاگ شخصی دکتر هریسی. بایگانی شده از اصلی در ۸ آوریل ۲۰۱۰. دریافت شده در ۱۶ آبان ۱۳۸۸، ص ۹۲.

۴-الخمینی، السید روح الله تحریر الوسیله (ترجمه فارسی) مترجم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) تهران. ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - چاپ: ۱۳۸۵ ه. ش - جلد ۲، ص ۵۲۴.

۲. محمد قاسمی، حمید، اصلاح و افساد در قرآن، چاپ دوم، معناگرا، بی جا، ۱۳۹۵. ه. ش، ص ۲۹

زمان حضرت شعیب با عنوان افساد فی الارض یاد کرده است.^۱ قارون: قارون نیز به خاطر پیش گرفتن طریق ظلم و طغیان، مفسد فی الارض خوانده شده است.

بنابراین می توان گفت که جرم افساد فی الارض در نظامهای الهی ما قبل اسلام وجود داشته و با ظهور اسلام، مجازات آن به صراحت تعیین و تحت آیه ی ۳۳ سوره ی مائده مشخص گردیده است.

با رواج اسلام و استقرار نظام جزایی در ایران، اصول و مبانی حقوق اسلام بر روابط قضایی مردم ما حاکم گردیده و منابع جزایی و حقوقی ما را قرآن و سنت و سایر منابع اسلامی تشکیل داده است.^۲

اما با گذشت مدتی از ورود اسلام به ایران، حکام با اعمال زور سعی بر دور نگهداشتن فقهاء از امور حکومتی داشته و به تدریج قضاوت را از قضات شرع گرفته و بر اساس رأی و نظر خود به امور قضایی می پرداختند. بدین تریب به علت دور بودن فقهای اسلامی از حکومت ظاهری و ترویج محاکم عرفی در مقابل محاکم شرعی و قوانین جزایی اسلام، جرم افساد فی الارض و حد آن مدت مدیدی متروک مانده بود.^۳

مستندات فقهی جرم افساد

به اعتقاد جمعی از فقها «افساد فی الارض» عنوان مجرمانه مستقل و عامتری از محاربه است.^۴ مستند دیدگاه این دسته از فقها عبارت است از:

الف) آیه ۲۲ سوره مائده: در این آیه آمده است: «من اجل ذلك کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً»؛ به این جهت بر بنی اسرائیل مقرر نمودیم هر کس دیگری را بدون حق قصاص و یا بی آنکه فسادی در روی زمین کرده باشد به قتل برساند، مانند آن است که همه مردم را کشته باشد. بر اساس این آیه شریفه، قتل هر انسانی در صورتی که به عنوان قصاص یا افساد فی الارض نباشد، هم سنگ با کشتن تمام افراد بشر است. مقید شدن زشتی و قبح قتل به مواردی غیر از قصاص و فساد در زمین بر این نکته دلالت دارد که اگر قتل نفس به عنوان قصاص و مقابله به مثل یا افساد فی الارض انجام شود، قبحی نداشته و جایز است.

۱. سوره هود/آیه ۸۵

۲. نعناکار مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، چاپ چهارم، مرسل، بی جا، ۱۳۹۲، ه.ش، ص ۲۱۰

۳. نعناکار مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، چاپ چهارم، مرسل، بی جا، ۱۳۹۲، ه.ش، ص ۲۱۱

۴. بای، حسینعلی؛ پور قهرمانی، بابک؛ بررسی فقهی حقوقی جرائم رایانه‌ای، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ ص ۱۰۰.

ب) آیه ۲۳ سوره مائده: آیه شریفه مزبور می‌فرماید: «انما جزاء الذین یحاربون اللّٰه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خالف او ینفوا من الارض»؛ «همانا مجازات کسانی که به پیکار با خداوند و رسولش برخاسته و فساد انگیزی در روی زمین را وجهه همت خود ساختند آن است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پایشان به طور مخالف قطع شود و یا تبعید گردند». این آیه از مهم‌ترین آیات مربوط به احکام کیفری در قرآن است که مباحث مفصلی در کتب فقهی و تفسیرها دامن زده و در مورد مفهوم و مصادیق آن نظرات مختلفی ابراز شده است.^۱ به اعتقاد برخی موافقان مستقل بودن جرم افساد، دلیل مترتب شدن مجازات‌های چهارگانه بر محارب آن است که وی تلاش در فساد انگیزی در زمین داشته و مفسد فی الارض است. به بیان دیگر، محارب از آن جهت که از مصادیق و افراد مفسد فی الارض است، مشمول مجازات‌های مقرر در آیه شده است.^۲

ج) روایات انطباق داده شده بر موضوع افساد: روایات متعددی در ابواب مختلف فقه وارد شده است که برخی از فقها موضوع آن‌ها را به جرم افساد فی الارض تطبیق داده‌اند؛ به این معنا که علت مجازات مرتکبان آن‌ها را مفسد فی الارض بودن مرتکبین اینگونه اعمال دانسته‌اند. روایات وارده در باب مجازات شخصی که خانه و کاشانه گروهی را به آتش می‌کشد و نیز شخصی که عادت به قتل اهل ذمه یا قتل بردگان دارد، همچنین روایات وارده در مورد مجازات کفن دزد، مجازات ساحر، مجازات کلاهبردار و قاچاقچیان مواد مخدر جزو این موارد است. انطباق مضمون روایات بر افساد فی الارض و یاتطبیق جرایم خاص بر افساد فی الارض، از سوی بسیاری از فقها همگی دلیل بر آن است که جرم افساد فی الارض نزد فقها، جرم مستقل و عام تری از محاربه بوده است.^۳ با وجود ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲ ایراد اتهامات بر فساد محارب در حال حاضر سهل‌تر شده است.^۴

ظاهر ماده ۲۸۶ نشان می‌دهد که در آن‌ها تنها ضابطه عینی (و نه شخصی) ملاک قرار گرفته است، یعنی گستردگی اعمال و ایجاد اختلال شدید در نظام اقتصادی و نظم عمومی است که موجب تحقق این جرم می‌شود. لیکن تبصره ماده نشان می‌دهد که علاوه بر ضابطه عینی، ضابطه شخصی (قصد اختلال گسترده یا ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن آن‌ها که نوعی قصد غیرمستقیم است) نیز برای مفسد فی الارض محسوب

۱. شامبیانی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، تهران، نشر ژوبین، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ص ۴۷۱
 ۲. بای، حسینعلی؛ پور قهرمانی، بابک؛ بررسی فقهی حقوقی جرائم رایانه‌ای، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ ص ۴۱۹.

۳. بای، حسینعلی؛ پور قهرمانی، بابک؛ پیشین، ۱۳۸۸ ص ۴۱۷.

۴. محمد قاسمی، حمید، اصلاح و افساد در قرآن، چاپ دوم، معناگرا، بی‌جا، ۱۳۹۵. ه.ش، ص ۳۰

شدن مرتکب ضروری است و با عدم احراز آن، مطابق تبصره ماده ۲۸۶، مرتکب به مجازات سبکتری محکوم خواهد شد. به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، حبس تعزیری درجه پنج بیش از دو سال تا پنج سال و حبس تعزیری درجه شش بیش از شش ماه تا دو سال می باشد. لیکن ابهامی که در تبصره ماده ۲۸۶ به چشم می خورد، به عبارت جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد. بر می گردد. این ابهام و ایراد از آنرو است که تردیدی وجود ندارد که ماده ۲۸۶ به ارتکاب جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد، علیه امنیت داخلی یا خارجی، نشر اکاذیب و غیره مربوط می شود؛

مستندات فقهی محاربه

مشهور فقیهان امامیه در تعریف محاربه با لحاظ حداقل دو شرط اساسی برای تحقق این جرم که به کارگیری اسلحه و قصد ایجاد رعب و وحشت در میان مردم می باشد اینچنین عنوان نموده اند: المحارب کل من جرد السلاح لاخافه الناس فی بر او بحر، لیلاً او نهاراً، فی مصر او غیره؛ هر شخصی که برای ترساندن مردم اسلحه بکشد محارب است؛ چه این عمل را در خشکی انجام دهد یا دریا، در شب مرتکب شود یا در روز، مکان جرم داخل شهر باشد یا خارج آن مطابق دیدگاه مذکور اسلحه اعم از وسیله ای است که برای جنگ ساخته شده است (وسایل قتال) و در نتیجه شامل سلاح سرد و گرم می شود و به تصریح بسیاری از فقها، سنگ، چوب و عصا نیز اسلحه به حساب می آید. قانونگذار جمهوری اسلامی نیز به تبع از قول مشهور فقها در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ راجع به تعریف محاربه اینگونه مقرر داشته است که محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب صلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.

در بین فقههای عامه ابن قدامه برای تحقق محاربه گفته است: اولاً، اقدام محاربه بایستی به صورت علنی باشد، ثانیاً، به طریق قهر و غلبه باشد. ثالثاً، اخذ مال صورت گیرد والا اگر اخذ مال مخفیانه باشد فاعل سارق است و اگر عده ای خروج کنند به نحوی که تعداد آنها موجب قهر و غلبه شوند قطاع الطریق هستند.^۱

شیخ طوسی اهل ریه یا اهل فساد یا اتهام بودن و تجرید سلاح را از ارکان تعریف دانسته است. ایشان انگیزه اخذ مال و اقدام در دار الاسلام را که در تعریف شیخ مفید وجود داشت لحاظ نکرده و شرط ندانسته است. به علاوه، هدف از تجرید سلاح را بیان فرموده و در مبسوط گفته

۱. قرطبی، محمد بن احمد.. الجامع الحکام القرآن. بیروت: دار الحدیث ۱۹۶۵م، ج ۳، ص ۱۱

است: قال جميع الفقهاء المراد بما قطع الطريق و هومن شهر السلاح و اخاف السبيل لقطع كائناً السلاح و اخاف الناس في بر الطريق و الذي رواه اصحابنا أن المراد بها كل من شهر او بحر و في البنيان او في الصحراء و روي ان اللص ايضاً محارب و في بعض رواياتنا ان المراد بها قطع الطريق كما قال الفقهاء.^۱

محقق حلی تجرید سلاح برای اخافه مردم را محاربه دانسته و در مورد اینکه آیا لازم است محارب، اهل ربه باشد تردید کرده و قول اصح را عدم اشراط دانسته بلکه فرموده با قصد اخافه و علم بر آن محاربه محقق است. ایشان توانایی بر اخافه را نیز دخیل نشمرده و درباره کسی که سلاح بکشد اما به علت ضعف قدرت اخافه نداشته باشد تردید کرده است و اشبه اقوال را ثبوت عنوان محاربه در این خصوص دانسته است.^۲

شهید اول آورده است: «و هی تجرید السلاح بر او بحرأ، لیلا او نهارأ، الخافه الناس فی مصر و غیره من ذکر او انثی، قوی او ضعیف...» و شهید ثانی در شرح آن افزوده است: «من اهل الربیه ام لا، قصد الاخافه ام لا، علی اصح الالقول».^۳

در این تعریف، شهید اول تجرید سلاح و قصد اخافه را از ارکان محاربه دانسته و شهید ثانی اخافه را از آن حذف کرده‌اند و ظاهراً صرف تجرید سلاح را با قصد اخافه یا بدون آن محاربه دانسته‌اند، اعم از آنکه با این عمل، مرتکب اهل فساد و ربه باشد یا نباشد.^۴

مصادیق قانونی محاربه و افساد فی الارض

با توجه به اینکه کشور ایران یک کشور اسلامی است اکثر قوانین آن مقتبس از فقه اسلام می باشد؛ و با توجه به اینکه در حقوق موضوعه ایران جرم افساد فی الارض جرمی مستقل از محاربه در نظر گرفته شده است حال می‌خواهیم ببینیم که آیا چنین عنوانی در فقه وجود دارد یا خیر. به عبارت بهتر آیا قانون‌گذار ما در اقتباس جرم افساد فی الارض از فقه تخطی نموده است یا خیر؟ فقها در هیچ یک از کتب فقهی بحثی مستقل تحت عنوان افساد فی الارض ارائه نموده اندو فقط بعضی از فقهای مفسران اسلامی چه شیعه و چه سنی جرم‌های خاصی را با عنوان افساد فی الارض مطرح نموده اند از قبیل کفن دزدی، آتش زدن منزل دیگری، اعتیاد به کشتن اهل ذمه و... شاید عده ای فکر کنند که قانون‌گذار ایران در موارد مختلفی به ذکر مصادیقی از افساد فی الارض پرداخته که این خود نشانگر آن است که قانون‌گذار ایران در اقتباس جرم افساد فی

۱. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن. پیشین، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴

۲. حلی (محقق)، جعفر بن الحسن. شرایع السالم فی مسائل الحلال و الحرام. تهران: استقلال، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۱۸۰

۳. الجبلی العاملی (شهید ثانی)، زین الدین. بی تا. الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. بیروت: دار الحیا التراث العربی، ج ۹، ص ۲۹۰

۴. فیض کاشانی، مال محسن. مفاتیح الشرایع. قم: مجمع الذخائر السالمیه، ۱۴۰۱، ص ۹۹

الارض از فقه تخطی نموده است ولی از نظر برخی از فقها چنین نیست زیرا مصادیقی که در کتب فقهی قدیم آمده متناسب با زمان خودشان بوده و محدود به آن موارد نمی شود. در ادامه مصادیق افساد فی الارض در حقوق موضوعه ایران را بیان خواهیم نمود:^۱

۱- قانون مبارزه با مواد مخدر

ماده ۶ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۶/۶۷ چنین آمده بود. مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند و در مرتبه های بعدی به ترتیب دو و نیم و سه و نیم و... برابر مجازات مذکور در هر بند خواهد بود، مجازات شلاق برای بار دوم به بعد به حداکثر ۷۴ ضربه است. در موارد مذکور در فوق چنانچه در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر به بیش از ۵ کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود.

۲- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری

در ماده ۴ نون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵/۹/۶۷ آمده است: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و در آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آن‌ها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.^۲

۳- قانون اخلاص گران اقتصادی در مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاص گران اقتصادی مصوب ۶۹/۹/۱۹ چنین آمده است ماده - ۱ ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می شود و مرتکب به مجازات های مقرر در این قانون محکوم می شود.^۳ تبصره - قاضی ذیصلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هریک از بندهای فوق الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارت وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می تواند حسب مورد، نظر مرجع ذیربط را نیز جلب نماید. تبصره -

۱. پورحسینی محمدجواد؛ اکبری محمدتقی؛ آذری سکینه؛ سفیدی سپیده؛ عبداللهی سامان نویسند. مصادیق محاربه و افساد فی الارض در قوانین مختلف، کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی، ۱۳۹۴، ص ۲۶

۲. الحاقی دی ۱۴ ۱۳۸۴، روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۶۱ مورخ ۱۱/۲۵/۱۳۸۴

۳. الحاقی دی ۱۴ ۱۳۸۴، روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۶۱ مورخ ۱۱/۲۵/۱۳۸۴

پرونده‌هایی که قبل از تصویب این قانون تشکیل شده است برابر قوانین قبلی رسیدگی می‌شود.^۱ ماده - ۲ هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر اینصورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

در موارد متعددی از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۸۲/۱۰/۹ جرائمی به عنوان محاربه قلمداد شده است؛ و حال آن که جرائم مذکور هیچ گونه سختیتی با جرم محاربه ندارد. مثلاً در ماده ۲۳ قانون مزبور آمده است: هر نظامی که نظامیان یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند یا موجبات فرار را تسهیل یا با علم به فراری بودن، آنان را مخفی نماید در صورتیکه به منظور براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد به مجازات محارب و آلاً به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.^۲

قانون مجازات عبور دهندگان از مرزها: در ماده یک قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور مصوب ۶۷/۰۷/۱۴ چنین آمده است. ماده ۱ هر کس دیگری را به طور غیرمجاز از مرز عبور دهد و یا موجبات عبور غیرمجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید، مجرم و به یکی از کیفیهای ذیل محکوم خواهد شد. الف). در صورتی که عمل عبور دهنده مخل امنیت باشد چنانچه در حد محاربه و افساد فی الارض نباشد به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.^۳

قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس در ماده واحد، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۲۹/۱/۱۳۶۸ چنین آمده است. هر کس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا با واسطه جعل کند، یا با علم به جعلی بودن توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد به اعدام محکوم می‌شود. همچنین عامل عامد و عامل

۱. الحاقی دی ۱۴ ۱۳۸۴، روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۶۱ مورخ ۱۱/۲۵/۱۳۸۴

۲. بای حسینی، افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟ (۲) مندرج در وب سایت <http://asp.detailnews/ir.bpdanesh/>

۳. شامبیانی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، تهران، نشر ژوبین، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ص ۴۹۹.

ورود اسکناس مجعول به کشور به عنوان مفسد به اعدام محکوم می گردد مگر آنکه عضو باند نبوده و قصد مبارزه با نظام نداشته و در محکمه ثابت شود که فریب خورده است. همانطوریکه ملاحظه می شود قانونگذار مرتکبین موضوع ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس را مفسد فی الارض تلقی کرده و مجازات اعدام را برای آن‌ها در نظر گرفته است. از این ماده چنین به نظر می آید که قانونگذار افساد فی الارض را جرمی مستقل از محاربه دانسته است. چرا که اولاً در این ماده افساد فی الارض در کنار محاربه آورده نشده است و ثانیاً عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم مزبور جرم موضوع ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس هیچ گونه شباهتی با عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم محاربه ندارد.

قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان قبل از پرداختن به این مطلب که در چه صورتی محتکران و گرانفروشان مصداق مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام محکوم می شوند لازم است که تعریف این دو عنوان (احتکار و گرانفروشی را) از نظر بگذرانیم. براساس ماده یک قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷/۰۱/۲۳ محتکر و گرانفروش را چنین می توان تعریف کرد: محتکر محتکر کسی است که ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم از قبیل گندم، جو، کشمش و... را به قصد افزایش قیمت جمع و نگهداری کند. گرانفروشی گرانفروش نیز کسی است که کالا را به بیش از نرخ متعارف عرضه کند و در مورد کالاهایی که به دست دولت توزیع می شود به بیش از نرخ تعیین شده توسط دولت عرضه کند. حال که تعریف محتکر و گرانفروش را هرچند بطور مختصر بیان نمودیم اینک موادی را که بر اساس قانون فوق الذکر مصداق مفسد فی الارض می باشد را بیان می نماییم: الف. ماده ۵ هر کسی که مرتکب هر یک از اعمال مشروحه زیر شود با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب برای مرتبه اول به جزای نقدی از ۲ تا ۵ برابر و برای مرتبه دوم از ۵ تا ۱۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در این ماده و برای مرتبه سوم برای افراد غیر صنفی از ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در ماده و در مورد افراد صنفی علاوه بر مجازات مرتبه دوم به لغو پروانه محکوم خواهند شد.^۱

قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳/۰۴/۲۸ در ماده ۳ قانون مذکور چنین آمده است که: (چنانچه عمل مرتکب «قاچاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و

۱. پورحسینی محمدجواد؛ اکبری محمدتقی؛ آذری سکینه؛ سفیدی سپیده؛ عبداللهی سامان نویسنده. مصادیق محاربه و افساد فی الارض در قوانین مختلف، کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی، ۱۳۹۴، ص ۶۹

پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود). در تبصره ۱ این ماده چنین آمده است که: چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده می‌شود. در تبصره فوق ایرادی که به مواد دیگر نیز شده بود می‌توان وارد ساخت چرا که در این تبصره باز مشخص نگردیده که در چه صورتی عمل مجرم می‌تواند مصداق محاربه و افساد فی الارض باشد جرم انگاری را می‌توان فرایندی نامید که به موجب آن قانون گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. جرم انگاری مبتنی بر مبانی نظری مورد قبول حکومت یا قدرت سیاسی است و با توجه به نگرش ایدئولوژی حاکم به انسان و سرشت او و مفاهیمی همچون آزادی، عدالت، قدرت و امنیت، رفتاری گزینش می‌شود و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر می‌گردد.

نتیجه گیری

مفسد فی الارض و محاربه، یکی از معضلات جوامع امروزی است که دولت ها به ویژه در سده اخیر با آن درگیرند. در طول تاریخ اسلام نیز بسیاری از بزرگان از جمله امامان معصوم ما قربانی این پدیده شوم شدند. دنیای غرب، چند سالی است که سعی در حذف اسلام از عرصه سیاست دارد و در این راستا ابتدا با پدید آوردن و تقویت گروهک های تروریستی هم چون القاعده و سپس با استناد به اعمال این دسته، اسلام را تروریستی و تروریست پرور معرفی کرد. عده ای از فقها و مفسران می گویند مفهوم افساد فی الارض عام تر از محاربه است، به گونه ای که محاربه فقط یکی از موارد افساد فی الارض است؛ اما آنچه بیشتر مسئله مورد بحث را دچار مشکل می کند این است که حتی آن عده از فقهای اسلامی که قائل به جدایی جرم افساد فی الارض از محاربه هستند، مجازات معینی را برای مفسد فی الارض معین نکرده اند مگر این که بگوئیم این مجازات که در فقه بیان شده مجازات مفسد فی الارض است و شامل محارب نیز میشود.

در خصوص مصادیق حقوقی، ظاهر ماده ۲۸۶ نشان می دهد که در آن ها تنها ضابطه عینی (و نه شخصی) ملاک قرار گرفته است، یعنی گستردگی اعمال و ایجاد اخلال شدید در نظام اقتصادی و نظم عمومی است که موجب تحقق این جرم می شود. لیکن تبصره ماده نشان می دهد که علاوه بر ضابطه عینی، ضابطه شخصی (قصد اخلال گسترده یا ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن آن ها که نوعی قصد غیرمستقیم است) نیز برای مفسد فی الارض محسوب شدن مرتکب ضروری است و با عدم احراز آن، مطابق تبصره ماده ۲۸۶، مرتکب به مجازات سبکتری محکوم خواهد شد. مشهور فقیهان امامیه در تعریف محاربه با لحاظ حداقل دو شرط اساسی برای تحقق این جرم که به کارگیری اسلحه و قصد ایجاد رعب و وحشت در میان مردم می باشد. مصادیق افساد فی الارض در حقوق موضوعه ایران را قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و قانون اخلال گران اقتصادی در مواد ۲۰۱ قانون مجازات است. قانونگذار مرتکبین موضوع ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس را مفسد فی الارض تلقی کرده و مجازات اعدام را برای آنها در نظر گرفته است. از این ماده چنین به نظر می آید که قانونگذار افساد فی الارض را جرمی مستقل از محاربه دانسته است. چرا که اولاً در این ماده افساد فی الارض در کنار محاربه آورده نشده است و ثانیاً عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم مزبور جرم موضوع ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس هیچ گونه شباهتی با عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم محاربه ندارد.

فهرست منابع

کتاب

۱. لجبعی العاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۳۷۷). الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ترجمه بهمن رازانی، بیروت: دار الحیا التراث العربی، چاپ دوم، ج ۹.
۲. بای، حسینعلی؛ پور قهرمانی، بابک (۱۳۸۸). بررسی فقهی حقوقی جرائم رایانه‌ای، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول. جلد ۱.
۳. حلی (محقق)، جعفر بن الحسن (۱۳۷۳). شرایع السالم فی مسائل الحلال و الحرام. ترجمه عبدالحسین محمد علی بقال، تهران: استقلال، چاپ دوم، ج ۴.
۴. خمینی، سید روح الله تحریر الوسیلة (ترجمه فارسی) مترجم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) - تهران - ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - چاپ: ۱۳۸۵ ه. ش - جلد: ۲ ص ۵۲۴
۵. دهخدا (۱۳۸۸). «محاربت». لغتنامه دهخدا.
۶. سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۶). المبسوط. بیروت: دار المعرفه، چاپ اول، ج ۹.
۷. شامبیاتی هوشنگ (۱۳۸۵)، حقوق کیفری اختصاصی، تهران: ژوبین، چاپ پنجم، جلد سوم.
۸. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن (۱۳۹۰). المبسوط فی فقه الامامیه، ترجمه ابی جعفر محمد الحسن بن علی الطوسی، قم: المکتبه المرتضویه چاپ اول، جلد ۶.
۹. عوده، عبدالقادر (۱۹۸۹)، التشریح الجنایی السالمی. بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم، ج ۲.
۱۰. فیض کاشانی، مال محسن (۱۴۰۱)، مفاتیح الشرایع. قم: مجمع الذخائر السالمیه، چاپ اول، جلد ۱.
۱۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۶۵)، الجامع الحکام القرآن. بیروت: دار الحدیث، چاپ دوم، ج ۳.
۱۲. محمد قاسمی، حمید (۱۳۹۵)، اصلاح و افساد در قرآن، چاپ دوم، معناگرا، بی جا، چاپ اول.
۱۳. ملک آستانه، فاطمه، فاطمه فکور (۱۳۹۵). محاربه و افساد فی الارض در حقوق موضوعه، انتشارات سخنوران - ۱۳۹۵
۱۴. مفید (شیخ)، محمد بن نعمان (۱۴۰۳)، المقنعه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ دوم، جلد ۲.
۱۵. نعاکار مهدی (۱۳۹۲)، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، مرسل، بی جا، چاپ چهارم

۱۶. پورملائى، مرتضى. (۱۳۹۷). محاربه و افساد فى الارض، انتشارات سيدمحمد درتکيده، انجمن اهل قلم بلوچ چابهار - ۱۳۹۷

مقاله

۱۷. له وردى، فرهاد (۱۳۹۸)، «بررسى فقهى - حقوقى جرم افساد فى الارض و بعى در قانون مجازات اسلامى و تطبيق آن با قوانين سابق»، همایش: کنگره بين المللى فرهنگ و اندیشه دینى.

۱۸. باقرى، ابراهيم (۱۳۹۸). «موضوع شناسى محاربه و افساد فى الارض در فقه و حقوق اسلامى»، نشریه پاسخ، شماره ۱۵.

۱۹. پورحسينى، محمدجواد؛ اکبرى محمدتقى؛ آذرى سکينه؛ سفيدى سپيده؛ عبداللهى سامان نويسنده (۱۳۹۴)، «مصاديق محاربه و افساد فى الارض در قوانين مختلف»، کنفرانس بين المللى نقش مديريت انقلاب اسلامى در هندسه قدرت نظام جهانى.

۲۰. الحاقى دى ۱۴ ۱۳۸۴، روزنامه رسمى شماره ۱۷۷۶۱ مورخ ۲۵/۱۱/۱۳۸۴

۲۱. الحاقى دى ۱۴ ۱۳۸۴، روزنامه رسمى شماره ۱۷۷۶۱ مورخ ۲۵/۱۱/۱۳۸۴

۲۲. شريفى، مهرداد (۱۳۹۴). «پيشگيرى از جرايم عليه امنيت در فضاى مجازى»، پايان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه آزاد اسلامى واحد .

۲۳. صداقت زاده، محمدرضا (۱۳۹۵) «بررسى فقهى و حقوقى محاربه و تروريسم با تأکيد بر فقه اماميه»، دانشگاه آزاد اسلامى واحد تهران مرکزى، مجتمع دانشگاهى وليعصر (عج) - دانشکده ادبيات و علوم انسانی،

۲۴. مستجاب الدعواتى، سيدعلى و محمدى فر، على (۱۳۹۷)، «بررسى فقهى حقوقى جرم محاربه و مقايسه آن با افساد فى الارض و بعى»، هفتمين کنفرانس ملي توسعه پايدار در علوم تربيتى و روانشناسى، مطالعات اجتماعى و فرهنگى، تهران،

۲۵. مستقيمى، بهرام؛ قادري کنگاورى، روح الله (۱۳۹۰). «نقض حقوق بشر و گسترش تروريسم»، مجله: سياست»، شماره ۱۷.

۲۶. ملک آستانه فاطمه، سلمانى فاطمه، سلمانى سعيد، حسنى محمدحسن (۱۳۹۴)، «نقد محاربه در قانون مجازات اسلامى جديد»، اولين کنفرانس بين المللى نقش مديريت انقلاب اسلامى در هندسه قدرت نظام جهانى (مديريت، سياست، اقتصاد، فرهنگ، امنيت، حسابدارى).

۲۷. هاشم زاده هريسى، هاشم (۱۳۸۸). «مسائلى چند در مورد محاربه». وبلاگ شخصى دکتري هريسى. بايگانى شده از اصلى در ۸ آوريل ۲۰۱۰.

۲۸. هژیر، زهرا و ایزدی سلمانی، ناصر (۱۳۹۵)، «بررسی کلی محاربه و افساد فی الارض به عنوان جرمی علیه امنیت»، اولین همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی، تهران،

۲۹. هژیر، زینب (۱۳۹۹)، «بررسی جرم محاربه با توجه به قانون مجازات اسلامی»، کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام، کرج.

پایان نامه

۳۰. سنجولی، مریم. (۱۳۹۷). مقایسه تروریست با مفسد فی الارض در فقه اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه سیستان و بلوچستان - ۱۳۸۹ - پایان نامه [کارشناسی ارشد].